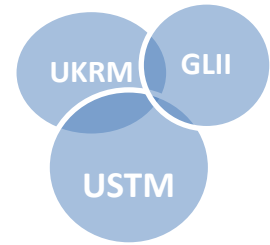


سال 1400



مدیریت نامه

مدیریت نامه (حکمرانی ، رهبری ، مدیریتی)

UKRM= **U**seful **K**nowledge **R**ules **M**anagement

GLII= **G**overnmental **L**eadership of **I**slamic **I**ran

USTM= **U**nificational **S**ubscribes of **T**hree **M**odels

اثر محمود صناعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیره مادام العمر

گنجی جاویدان از این خبره وطراح از منابع مبنائی منظومه های بصیرتی (آراء مبتنی بر بصائر)
(Opinions based on insightfull) ورویکرد تعلیمی

رساله 22 : شعاع نفوذ حکمرانی ایران اسلامی در جهان



Mahmoud saneipour

رساله 22 شعاع نفوذ ایران جهانی وتکالیف آینده نظام جمهوری اسلامی ایران

ملاحظاتى در مورد نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح است که درمورد بسیاری از کشورها مطرح نیست ، در سیاست خارجی بسیاری از کشورهای راهبردی تحت عنوان شعاع نفوذ مطرح نیست ، این سوال مطرح است ،چه کشورهائی بدنبال شعاع نفوذ یا در حال گسترشحوزه های جدیدی در جهان هستند.بدیهی است که ایالات متحده آمریکا با پشتیبانی های مختلف از سوی هم پیمانان جهانی خود بیشترین

دامنه نفوذ را در جهان دارد ، دانستن این نیروهای پشتیبان و خصوصیات آنها و قدرت نفوذ چند جانبه آنان برای سیاست مدار و بخصوص حکمرانان اعم از رهبری و ریاست جمهوری و مدیران ارشد سیاست داخلی و خارجی با دانش و خبرگی لازم و هزاره بصائر (تعلیم 83) یک ضرورت است و اینکه امریکا و سایر نفوذگران جهانی ، نیاتی دارند و چه حوزه های نفوذی را در اختیار گرفته اند ، داکترین ، راهبرد های و طرح و پروژه های در دست اقدام آنها چیست ، بودن پرداختن به این امر مهم جهانی ، در واقع جدا بودن از سرنوشت و مقدرات جهانی بوده و بسیاری از مشکلات فعلی کشور از همین ناآگاهی ها و ساده انگاری ها بوده است

مشخصات امریکا موارد زیر نیست ، امریکا و شهرها و موسسات آن ، کانون نفوذ در جهان هستند



United States of America

امریکا زبان رسمی ندارد و فاقد ادبیات انسان دوستی و فقر زدائی از جهان است

زبان های ملی ، زبان انگلیسی دفاکتو: (دفاکتو) به لاتین (de facto) یا بالفعل اصطلاحی است به زبان لاتین که مترادف در واقع یا در عمل در زبان فارسی است. در ادبیات بین المللی و در سازمان ملل متحد از این لغت به طور رسمی استفاده می شود. در اصطلاح حقوقی، معادل غیررسمی و آنچه عملاً هست به کار می رود. در مقابل، اصطلاح دو ژور) به فرانسوی (de jure) یا قانونی قرار دارد، که از نظر لغوی در علم نظری و در عالم فرض است، معادل رسمی و مشروع به کار می رود. (امروزه بیش از ۳۸۰ میلیون نفر است. انگلیسی در بسیاری از کشورها زبان میانجی است و مهم ترین زبان دنیا در زمینه های سیاست ، اقتصاد ، صنعت ، فرهنگ و علم در روابط بین الملل به شمار می آید. این زبان جزو زبان های رسمی سازمان ملل متحد است و نظام آموزشی بیش تر کشورها مشغول به تدریس آن هستند. **در این تعلیم می خوانید که امریکا در ایران از طریق تجارت ، بانک داری ، سیستم های اطلاعاتی ، تدریس در دانشگاه ، سفر ها و گردش گری و.... به زبان انگلیسی محاوره ویا آموزش ها و اصطلاحات انگلیسی را در فعالیت های علمی ، فناوری و غیره بکار می برند و یکی از دامنه های نفوذ آمریکا در ایران و سایر کشورهای تحت سیطره نفوذ خود است سیطره زبان در جهات مختلف فعالیت های هنری، فرهنگی ، تجاری ، فناوری و... ، یک سیطره نافذ پر قدرت است و این درحالی است که زبان انگلیسی در مقابل توسعه های تمدن مدرن ناتوان شده و گفتگوهای نظیر موسسه TED و سایر موسسات فکری و تحقیقاتی جهان ، باید برای تمدن جدید ، زبان مقتضی آن شناخته شده و در این مورد زبان عربی و فارسی ، دارای ترجیحات زیادی است که اکنون در دانشگاه های جهان ، جزاً دروس درسی قرار گرفته است و یکی از چالش های جدی در مزیت های نسبی در نفوذ جهانی محسوب میشود - مولف)**

بحث دین ، بی دینی (که معنی دار نیست) ، یهودیت ، جریان های چند بعدی در مسیحیت ، اوانجلیست ها که یک سوم جمعیت امریکا تشکیل میدهد، یک دین گنوسیستی و نوعی معرفت و شناخت باطنی است که به ادعای ایشان، از طریق آن میتوان از جهان مادی و شرّ نجات یافت و به عالم معنوی و خیر نایل آمد. آیین گنوسی به ثنویت اعتقاد دارد ، نقش کابالایست ها در شکل گیری تمدن غرب و آمریکا بوده است؟ ... از این رو میتوان سخن برخی منابع را پیرامون وجود ثنویت در عرفان یهود شمرد. دین در امریکا نفوذ جهانی ندارد و در عوض دین اسلام و اسلام شناسی بدنبال "ایران هراسی" ، مورد مطالعه محققان جهان و آکادمی ها قرار گرفته است که در این تعلیم در مورد آن بحث خواهد شد، سیاست خارجی ایران ، کاری باین جریان ندارد ، حوزه و اندکی دانشگاه های ایران ، تلاشی در این مورد دارند ، دین اسلام که در تعلیم مولف بحث های مفصلی را بخود اختصاص داده است ، در توسعه و رشد بوده و یکی از عوامل نفوذ به شمار می آید ، مقابله مذهب شیعه با مذهب صهیون ، یکی از بحث های جدی این تعلیم است .

مسیحیت ۷۳,۰٪

بی دین ۲۱,۳٪

یهودیت ۲,۱٪

اسلام ۰,۸٪

غیره ۲,۹٪

سرشماری 2019 معدل 328.239.520 نفر

قوه مقننه – کنگره

مجلس اعلا- سنا

مجلس سفلی – مجلس نمایندگان

سیطره قانون و مقررات شیطان بزرگ ، در تعاملات بانک ها در سطح بین الملل که یکی از موارد تحریم است ، با سیطره واحد پول دلار، جریان دارد ، یورو دومین ، ین ژاپن سومین ، پوند چهارمین ، مارک آلمان پنجمین ، دلار کانادا ششمین و فرانک فرانسه هفتمین است و پول ایران در میان 180 ارز جهانی ، بی ارزش ترین پول دنیا است و مثل کشورهای فقیر جهان نظیر لئون سیرالئون ویا فرانک گینه میباشد ، (پول ایران قدرت نفوذ و اعتبار جهانی بودن خود را بسیار تضعیف کرده است ، موضوعی است کاملاً علت و معلولی و قابل حال و برای حال ، باید از یک اختیار عظیم و همه جانبه برخوردار بود ، این مورد مثل صدها مورد دیگر در مناظرات ریاست جمهوری به راه حل قانع کننده ای نرسید و موضوع تورم و گرانی که ناشی از فقیر بودن پول ایران ، در ابهام مانده است ، از نظر من (این مولف) ، اجناس در بازار ما گران نیست و من در تعلیم اقتصادی 13 قسمت یک و دو و سه ، آوردم که یک فرد خارجی مثل استرالیایی یا آلمانی ، می تواند ، در قبال پول ایران ، قدرت خرید ده بسته مشابه که یک ایرانی می تواند بخرد ، دارد

وهتی بیشتر که بارها محاسبه کردم وبهمن دلیل ، صادرات برای تجار ایرانی بسیار منافع دارد ولی ، تجارت خارجی ایران در دست دلان و سوداگران است ، حاصل منافع صادراتی ایران نصیب ایرانی نمیشود ، ضعف پولی ایران با قدرت های دیگر آن یک تناقض آشکار است که قابل حل است -مولف)

آمریکا بزرگترین بدهکار جهان و تقریباً به همه کشورها و نیز مردم خودش بدهکار است

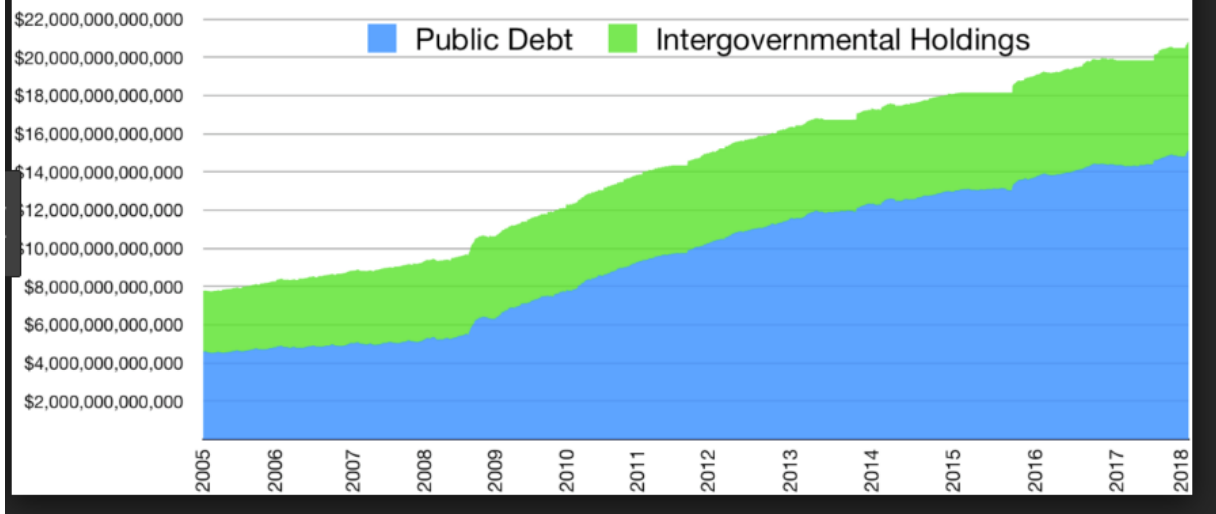


جدول بدهی آمریکا به سایر کشورهای جهان

بر اساس آمار وزارت خزانه داری آمریکا در 28 اکتبر 2018، بدهی عمومی آمریکا بالغ بر پانزده هزار میلیارد و هشتصد میلیون دلار است و بدهی میان دولتی این کشور نیز بالغ بر پنج هزار و هشتصد میلیارد دلار است. مجموع این بدهی ها که بدهی ملی آمریکا نامیده می شود، بالغ بر 21 هزار میلیارد و ششصد میلیون دلار است. این رقم شامل بدهی های داخلی و بدهی های موسوم به بدهی های نهادی نمی شود. بدهی های نهادی به بدهی های نهادهای فدرال و موسسات مورد حمایت دولت است که در رقم بدهی کل آورده نمی شود. بر اساس ارزیابی ها تا پایان سال مالی 2019، بدهی های نهادی به 9 هزار میلیارد و پانصد و هفتاد میلیون دلار برسد. بر این اساس هر امریکائی معادل 350 هزار دلار بدهکار است، بر اساس گزارش وزارت خزانه داری آمریکا تا پایان مالی سال 2018، بدهی دولتی در آمریکا که شامل مجموع بدهی های فدرال، ایالتی و محلی است، تا 24 هزار میلیارد و پانصد و هفتاد میلیارد دلار برسد. در حال حاضر بدهی عمومی آمریکا برابر با 77 درصد تولید ناخالص داخلی امریکاست که در میان 207 کشور جهان در رتبه چهل و سوم قرار دارد. دفتر بودجه کنگره آمریکا در آوریل سال 2018 پیش بینی کرد که بدهی عمومی آمریکا تا سال 2028 به صد درصد تولید ناخالص داخلی این کشور خواهد رسید. این رقم، زمانی معنای بیشتری پیدا می کند که بدانیم رقم بدهی عمومی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، برابر با 11 درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است تا ماه دسامبر سال 2017، شش هزار و سیصد میلیارد دلار از بدهی آمریکا به دولت های خارجی بود که 45 درصد بدهی عمومی این کشور بود.

جدول زیر نشان دهنده رشد بدهی ملی آمریکا از 2005 تا 2018 است.

National Debt

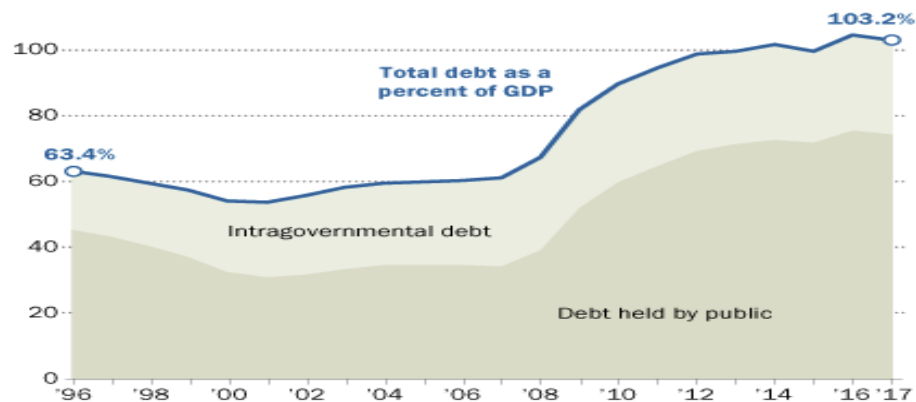


نکته قابل توجه اینکه مجموع بدهی های آمریکا که بدهی ملی این کشور را تشکیل می دهد، در حال حاضر به بالاتر از تولید ناخالص داخلی آمریکا رسیده است که تقریباً از زمان جنگ جهانی دوم بی سابقه نبوده است. بحران مالی سال 2007 تا 2013 باعث افزایش سریع بدهی های آمریکا شده است. براساس گزارش مرکز تحقیقاتی پیو، بدهی آمریکا از سال 1996 تا سال 2017 با مجموع 19 هزار میلیارد و 230 میلیون دلار بالاتر از تولید ناخالص داخلی این کشور قرار گرفت.

جدول زیر مقایسه بدهی کل آمریکا با تولید ناخالص داخلی این کشور است:

Debt now exceeds gross domestic product

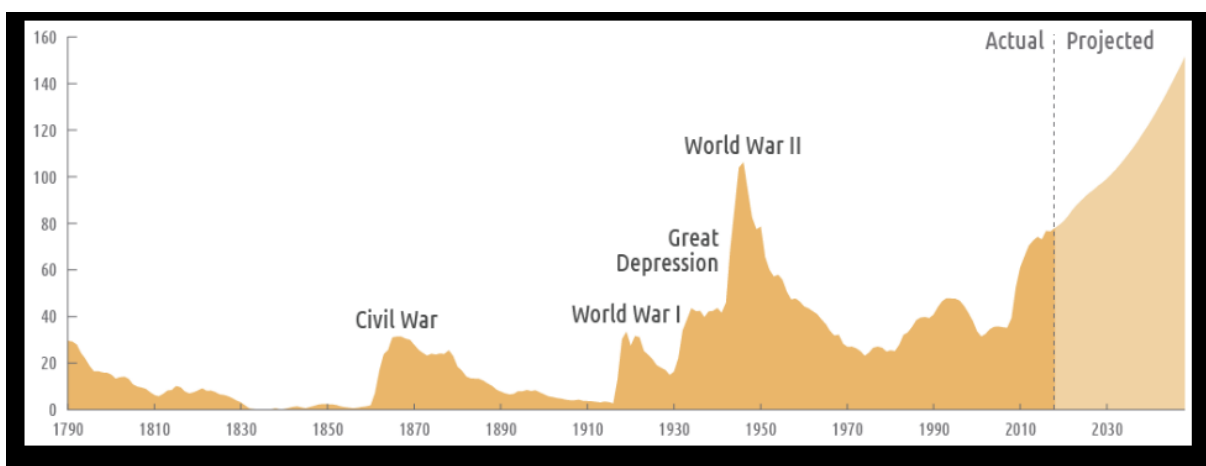
Debt as a percentage of GDP, fiscal 1996-present



Source: TreasuryDirect (U.S. Department of the Treasury, Bureau of the Fiscal Service); "The Debt Limit: History and Recent Increases" (Congressional Research Service, RL31967); Bureau of Economic Analysis; Pew Research Center estimates.

PEW RESEARCH CENTER

جدول زیر میزان رشد بدهی های آمریکا در مقایسه با تولید ناخالص داخلی این کشور از زمان اعلام استقلال آمریکا تا سال 2018 را نشان می دهد:



این بدهی، بستانکارانی هم دارد و دولت آمریکا خودش هم از جمله خریداران اوراق قرضه، اسکناس و حواله از وزارت خزانه داری است. اشخاص حقیقی بویژه سرمایه گذاران بخش خصوصی، شرکت های کوچک و بزرگ و دولت های خارجی از جمله چین و عربستان سعودی از بستانکاران آمریکا هستند.

جدول زیر بستانکاران آمریکا را نشان می دهد:

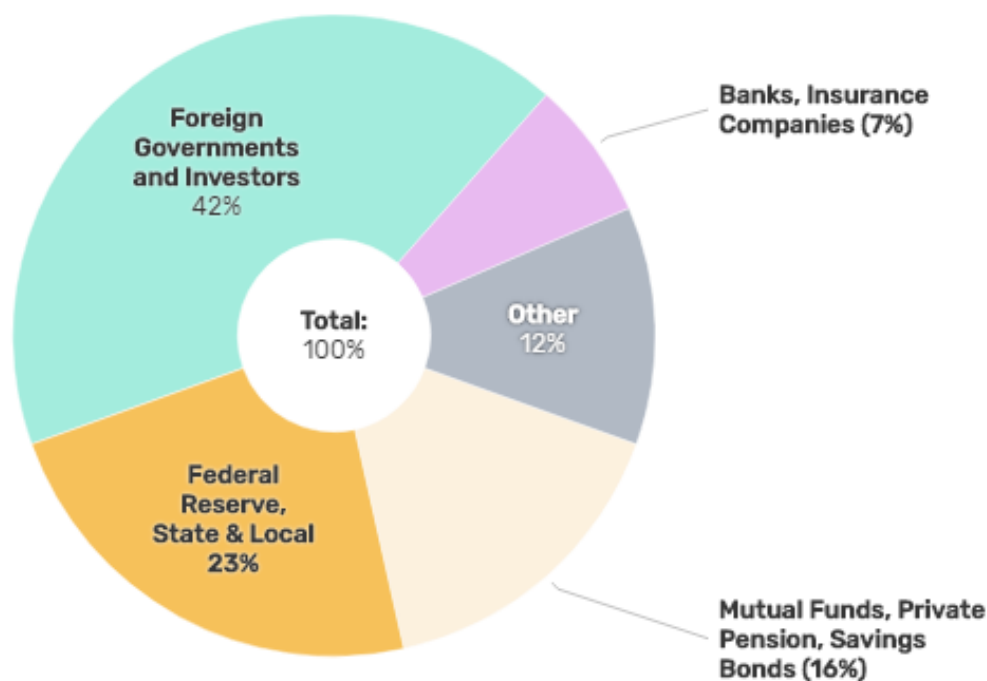


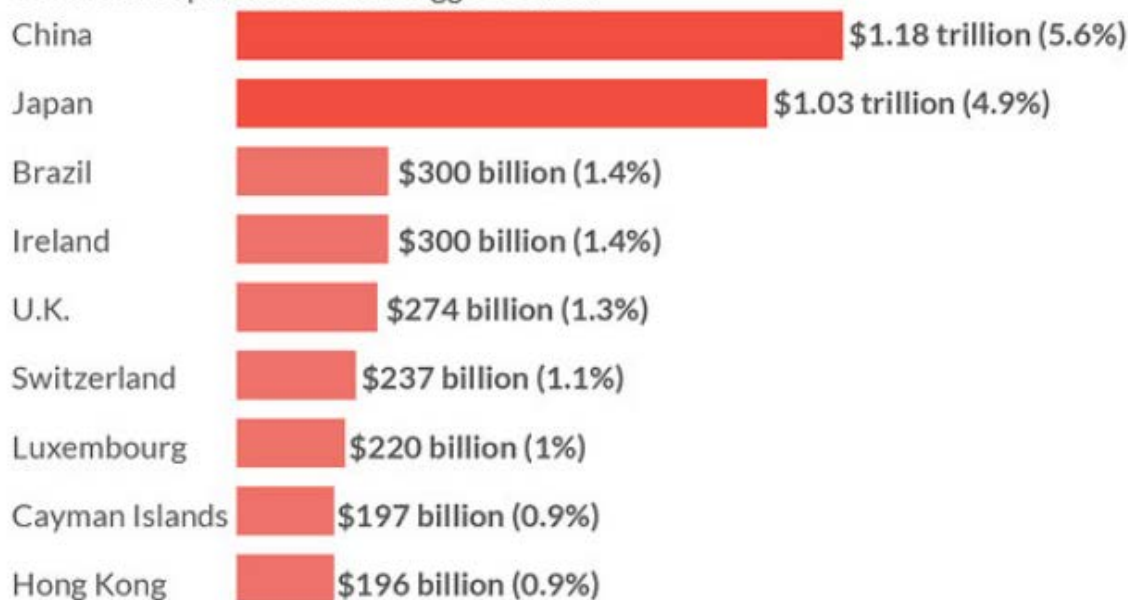
Chart: The Balance - Source: U.S. Department of the Treasury

عمده ترین بستانکاران خارجی آمریکا عبارتند از چین، ژاپن، برزیل، ایرلند، انگلیس، سوئیس، لوگزامبورگ، جزایر کایمان، هنگ کنگ، بلژیک و روسیه سهم که مجموعاً بالغ بر شش هزار میلیارد و نهصد میلیون دلار است. بستانکاران در جدول زیر نشان داده شده است:

(به عقیده این مولف ، امریکا بنا ندارد این بدهی کلان با سایر کشورهای جهان با تدابیر مدیریتی ، تسویه نماید، وی از موضع زور می خواهد با طلب کارهای خود برخورد نماید و بدهی خود را اداء نکند ، بنابراین بحران های ناشی از این عدم تصفیه حساب جهانی و بالانس تعاملات و تجارت جهانی که بازار قرمز را ایجاد کرده است ، به جنگ تبدیل میشود و بازنده نهائی خو آمریکا است که پشتیبان ملی هم ندارد ، همین مشکل را ایران در بدهی به مردم ایران دارد ، بدهی هر فرد ایرانی 420 میلیارد تومان (به قیمت ارزش پول فعلی در سال 1400 است) ، که در دست 11 ثروتمند داخلی و غیره است ، این حساب و کتاب های روشن و اثرات سوء آنها در معیشت مردم آمریکا و ایران ، نقطه اتصالی ایجاد میکند ، که در انکوباتور (Incubator) نهفته جهان در حال رشد نطفه یک قیام جهانی است ، که با راه حل های صلح گویانه این خطر از امریکا و ایران رفع خواهد شد ، لیکن دست تقدیر ، همان کاری را میکند که امروز کمتر به ذهن ناتوان سیاسیون جهانی میرسد-مولف)

Top foreign owners of U.S. national debt

China and Japan are still the bigger holders



Note: Foreigners owned \$6.21 trillion in debt at end of June

Source: U.S. Treasury

در خود دولت نیز وزارت خانه های مختلف به یکدیگر بدهکار هستند که همان بدهی های میان دولتی نامیده می شود و بالغ بر شش هزار میلیارد دلار است.

دلایل بدهی کلان آمریکا

یکی از مهم ترین دلایل بدهی کلان آمریکا، انتشار اوراق قرضه توسط وزارت خزانه داری آمریکا به منظور جبران کسری بودجه این کشور است. در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، انتشار اوراق قرضه به شدت افزایش یافته است و به همین دلیل انتظار می رود بدهی های آمریکا تا پایان ریاست جمهوری او افزایش قابل ملاحظه ای داشته باشد. در اواخر ماه اکتبر 2018، استیون منوچین، وزیر خزانه داری آمریکا اعلام کرد قصد دارد با هدف جبران بخشی از کسری بودجه آمریکا، اوراق قرضه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به ارزش 81 میلیارد دلار عرضه کند. این رقم، بزرگترین رکورد فروش اوراق قرضه در آمریکا است. پیش از این، تیموتی گاتر، وزیر خزانه داری آمریکا بین سال های 2009 تا 2013 رکوردار فروش اوراق بدهی در میان وزرای خزانه داری آمریکایی بود. پژوهش خبری // تهمنه بختیاری (در تفصیل و تشریح این رساله در تعلیم 22 جداول بدهی 180 کشور آمده و نشان میدهد ایران به کشورهای خارجی بدهی ندارد، بعضی از اقتصاددان کلاسیک و نئوکلاسیک ، وجود بدهی یک کشور را دال بر موفقیت و تحقق اهداف اقتصادی آن کشور میدانند ، مثل سرمایه گذاری خارجی در داخل کشور که مشروط بر صدها تدبیر و ابتکاری است که اینک در بسترهای بنیادین کشور ایران وجود ندارد -مؤلف)



نماد آمریکا

ایران و آمریکا در مصاف با هم ، کدام یک برنده تاریخ هم زمانه خود هستند

جزئیات این بررسی در تفصیل لازم در تعالیم 114 گانه مؤلف آمده است

ایالات متحده آمریکا (به انگلیسی: United States of America و به اختصار: USA) که به صورت خلاصه ایالات متحده یا آمریکا خوانده می شود، یک کشور مستقل در آمریکای شمالی میان کشور کانادا و مکزیک و اقیانوس اطلس و آرام است. آمریکا به جز سرزمین اصلی؛ با شیوه حکومت جمهوری فدرال متشکل از 50 ایالت، یک حوزه فدرال، پنج سرزمین خودمختار و مجموعه ای از جزایر پراکنده که مجموعاً دارای مساحتی معادل 3/8 میلیون مایل مربع (9/8 میلیون کیلومتر مربع)؛ چهارمین کشور پهناور جهان محسوب می شود و با جمعیتی بیش از 330 میلیون (آمار سال 2020)؛ سومین کشور پرجمعیت جهان می باشد. پایتخت آمریکا واشینگتن، دی.سی. و پرجمعیت ترین شهر آن نیویورک در ایالت

نیویورک است. چهل و هشت ایالت آمریکا و منطقه فدرال پایتخت در سرزمین اصلی ایالات متحده آمریکا واقع در آمریکای شمالی میان کانادا و مکزیک قرار دارند. ایالت آلاسکا در گوشه شمال غربی آمریکای شمالی میان کانادا از شرق و تنگه برینگ و روسیه از غرب جای گرفته است. ایالت هاوایی که به صورت مجمع‌الجزایری می‌باشد، در میانه اقیانوس آرام واقع شده است. قلمروهای ایالات متحده آمریکا که در دریای کارائیب و اقیانوس آرام پراکنده هستند، نه منطقه زمانی را شامل می‌شوند. جغرافیا، آب و هوا و حیات وحش فوق‌العاده متنوع و گوناگون آمریکا، این کشور را در زمره ۱۷ کشور دارای تنوع زیستی فراوان قرار داده است. سرخ‌پوستان دیرین، ۱۵۰۰۰ سال پیش از سیبری به سرزمین اصلی آمریکای شمالی مهاجرت کردند. استعمار قاره آمریکا توسط اروپایی‌ها از قرن شانزدهم میلادی آغاز شد. در آغاز ایالات متحده آمریکا با ورود امپراتوری بریتانیا در ویرجینیا و برمودا، امپراتوری هلند در نیو هلند، امپراتوری فرانسه در شمال و غرب و امپراتوری اسپانیا در تصرف رود می‌سی‌سی‌پی و جنوب غربی همراه بود. ۱۳ مستعمره بریتانیایی توسط امپراتوری بریتانیا در ساحل شرقی پدیدار گردید. درگیری‌های متعدد بر سر قانون مالیات و نبود نماینده از میان مردم، پیرو جنگ انقلاب آمریکا (سال ۱۷۷۵-۱۷۸۳)، منجر به تشکیل نخستین کشور مستقل از یک امپراتوری خصوصاً بزرگترین امپراتوری جهان، آغاز انقلاب آمریکا (سال ۱۷۷۵) و نهایتاً اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا گردید.

قانون اساسی آمریکا در سال ۱۷۸۸ با اصلاحات دهگانه که مجموعاً با نام منشور حقوق ایالات متحده آمریکا می‌باشد، پیریزی گردید. در سال ۱۷۹۱ قانون اساسی که تضمین‌کننده حقوق طبیعی و قانونی بود، تصویب گردید. در خلال قرن نوزدهم میلادی ایالات متحده آمریکا به شکلی قاطعانه، به توسعه ارضی آمریکای شمالی مشغول شد. همچنین در خلال این قرن پس از جنگ‌های سرخپوستان؛ نهایتاً منجر به توافق شد و ایالات جدید به شکلی تدریجی تأسیس گردیدند. در سال ۱۸۴۴ توسعه سرزمین‌های آمریکا در سراسر قاره آمریکا شمالی به پایان رسید. در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، جنگ داخلی آمریکا منجر به منسوخ شدن برده‌داری در این کشور شد. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، آمریکا به جزایر و آب‌های اقیانوس آرام مسلط شد و اقتصاد این کشور نیز در نتیجه انقلاب صنعتی فراگیر در دنیا، رشد بی‌سابقه‌ای کرد. جنگ آمریکا و اسپانیا و جنگ جهانی اول، موقعیت آمریکا را به شکل یک ابرقدرت نظامی جهانی تثبیت کرد. ایالات متحده در جنگ جهانی دوم به شکل یک ابرقدرت، نخستین کشور تولیدکننده و تنها کشور استفاده‌کننده بمب‌های اتمی در جنگ و به‌عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد ظاهر گردید. در خلال جنگ سرد ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رقابت فضایی قابل توجه‌ای داشتند که این رقابت در پروژه آپولو ۱۱ به اوج خود رسید. بعد از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۱ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده تبدیل به تنها ابرقدرت جهان شد.

ایالات متحده از اعضاء بنیان‌گذار سازمان ملل متحد، صندوق میان‌جهانی پول، بانک جهانی، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) و تعدادی دیگر از سازمان‌های میان‌جهانی است. ایالات متحده کشوری فوق پیشرفته بر پایه تولید ناخالص داخلی و دومین کشور دنیا بر پایه تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت

خرید) تقریباً یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی کل کشورهای جهان می‌باشد. اقتصاد ایالات متحده یک اقتصاد فرا صنعتی و عظیم است که در فعالیت‌های خدماتی به شکلی عالی عمل کرده و در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان جزء سرآمدهای دنیا محسوب می‌شود. از لحاظ تولید ایالات متحده دارنده رتبه دوم در جهان است. ایالات متحده اولین کشور واردکننده و دومین کشور صادرکننده جهان است. با وجود این‌که جمعیت آمریکا فقط ۴/۳٪ جمعیت جهان است، این کشور مالک ۲۹/۴٪ ثروت جهان است. ایالات متحده دارای بیشترین سهم ثروت جهانی در میان کشورهای دنیاست. آمریکا از لحاظ چندین شاخص اجتماعی - اقتصادی مثل دستمزد متوسط، شاخص توسعه انسانی سرانه تولید ناخالص داخلی و سوددهی سرانه جزء رتبه‌های بالا در میان کشورهای جهان به‌شمار می‌رود. ایالات متحده دارنده قدرتمندترین نیروی مسلح جهان است. بودجه و هزینه‌کرد نظامی آمریکا، بیش از یک سوم کل بودجه نظامی دنیا است.^[۳] ایالات متحده یک قدرت پیشرو و راهبر در زمینه سیاست، فرهنگ و دانش در جهان به‌شمار می‌رود.

1. ۲/۱ بومی‌ها و آمریکای پیش از کلمب

2. ۲/۲ تأثیر بر بومیان

3. ۲/۳ مهاجرت اروپایی‌ها

4. ۲/۴ استقلال و گسترش ارضی

5. ۲/۵ جنگ داخلی و دوره بازسازی

6. ۲/۶ مهاجرت‌های بیشتر، گسترش ارضی و صنعتی‌سازی

7. ۲/۷ جنگ جهانی اول، رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم

8. ۲/۸ جنگ سرد و جنبش‌های حقوق مدنی

9. ۲/۹ تاریخ معاصر

2. ۳ جغرافیای طبیعی

1. ۳/۱ وسعت آمریکا

2. ۳/۲ مختصات و موقعیت جغرافیایی آمریکا

3. ۴ جغرافیای انسانی

4. زبان‌های مختلف

5. ۶ سیاست
1. ۶/۱ سیاست خارجی
6. ۷ ایالت‌ها
7. ۸ شهرهای آمریکا
8. ۹ آموزش و پژوهش
9. ۱۰ اقتصاد
1. ۱۰/۱ حمل و نقل
10. ۱۱ دین و مذهب
11. ۱۲ ساختار خانواده
12. ۱۳ فرهنگ
13. ۱۴ بهداشت
14. ۱۵ غذا و آشپزی
15. ۱۶ ورزش
16. ۱۷ نیروهای مسلح
1. ۱۷/۱ امنیت و قوای نظمیه
17. ۱۸ رسانه‌ها
18. ۱۹ جستارهای وابسته
19. ۲۰ منابع
20. ۲۱ پیوند به بیرون

نام

نام آمریکا نخستین بار در یک نقشه جهان مربوط به سال ۱۵۰۷ میلادی که توسط مارتین والدسیمولر نقشه‌نگار و کشیش اهل فرایبورگ آلمان تهیه شده بود، دیده شده است. در این نقشه، آمریکای جنوب به افتخار جهانگرد ایتالیایی آمریگو وسپوچی، «آمریکا» خوانده شده است.^[۴] وسپوچی پس از

بازگشت از سفر خود، متذکر شد که هند غربی در واقع، برخلاف گفته کلمب، شرق آسیا نیست؛ بلکه یک خشکی جداگانه است که تا آن زمان برای اروپایی‌ها ناشناخته مانده بود.^[۵] در ۱۵۳۸، گرارادوس مرکاتور نام «آمریکا» را در نقشه جهان خود به تمام نیم‌کره غربی اطلاق کرد. «ایالات متحده آمریکا» نخستین بار در دوم ژانویه ۱۷۷۶ در نامه‌ای از استیون مویلان به جوزف رید، از نزدیکان جورج واشینگتن، به چشم می‌خورد. مویلان امیدوار بود که با «قدرت تمام از ایالات متحده آمریکا به اسپانیا برود» تا برای جنگ‌های انقلابی، حامی پیدا کند. اولین مرتبه‌ای که این اسم در یک نوشته چاپی مورد استفاده قرار گرفت، مربوط است به مقاله‌ای ناشناس که در ۶ آوریل ۱۷۷۶ در روزنامه «گازت ویرجینیا»، نشریه‌ای در ویلیامزبرگ ویرجینیا، منتشر شد.

در دومین پیش‌نویس اصول کنفدراسیون که در ۱۷ ژوئن ۱۷۷۶ توسط جان دیکنسون نوشته شد، آمده که «نام این کنفدراسیون «ایالات متحده آمریکا» خواهد بود.»^[۱۱] در نسخه نهایی که در اواخر ۱۷۷۷ برای تأیید به ایالات فرستاده شد، آمده بود که «عنوان این فدراسیون ایالات متحده آمریکا خواهد بود.»^[۱۲] توماس جفرسون در ژوئن ۱۷۷۶ در پیش‌نویس اعلامیه استقلال، آن را با حروف تمام بزرگ به شکل UNITED STATES OF AMERICA نوشت.^[۱۳] مشخص نیست که جفرسون این پیش‌نویس را قبل از استفاده از این عنوان توسط دیکنسون نوشت، یا پس از آن. مخفف رایج نام این کشور، «ایالات متحده» است؛ اما آن را U.S یا USA یا آمریکا هم می‌گویند. در حالت محاوره‌ای U.S. of A. یا به صورت بین‌المللی، «ایالات» می‌گویند.^[۱۳] عبارت «ایالات متحده» در ابتدا به صورت جمع کار می‌رفت؛ یعنی عنوانی برای مجموعه‌ای از دولت‌های مستقل بود — «ایالات متحده اعلام می‌دارند...»^[۱۴] حالت مفرد آن پس از جنگ داخلی آمریکا باب شد — «ایالات متحده اعلام می‌دارد...» حالت مفرد امروزه حالت استاندارد نام کشور مذکور است و زمانی که بخواهند آن را به صورت جمع استفاده کنند، به صورت «این ایالات متحده...» به کار می‌برند. تفاوت موجود، بیش از یک موضوع گرامری است، چرا که فرق میان یک واحد و مجموعه‌ای از دولت‌ها را می‌رساند.^[۱۵] یک شهروند ایالات متحده آمریکا، «آمریکایی» خطاب می‌شود.^[۱۶]

سابقاً در فارسی به این کشور در گفتگوی عامیانه ینگه دنیا و در نوشته‌ها، اتازونی (برگرفته از États-Unis، نام فرانسوی ایالات متحده)^[۱۸] می‌گفتند. «ینگه دنیا» برگرفته از ترکی عثمانی و به معنی «دنیای جدید» است. در زبان فارسی آمریکا و امریکا هر دو به یک منظور بیان می‌شوند.

تاریخ

نوشتار اصلی: تاریخ ایالات متحده آمریکا

اطلاعات بیشتر: روزشمار تاریخ ایالات متحده آمریکا و تاریخ زنان در ایالات متحده آمریکا



نخستین ساکنان این قاره را اقوام سرخپوستان آمریکایی تشکیل می‌داده‌اند.

بومی‌ها و آمریکای پیش از کلمب

اطلاعات بیشتر: سرخپوستان ایالات متحده آمریکا و دوران پیشاکلمبی

نظر پذیرفته شده این است که نخستین ساکنان آمریکای شمالی از راه برینجیا حدود ۱۲'۰۰۰ سال پیش از سیبری به این ناحیه نقل مکان کرده‌اند؛ اما شواهد جدید نشان می‌دهد که سابقه حضور انسان در این منطقه بیش از این است. پس از عبور از راه زمینی، نخستین آمریکایی‌ها در کنار سواحل اقیانوس آرام مسیر جنوب در پیش گرفتند. در ابتدا تصور می‌شد تمدن کلویس که ۱۱'۰۰۰ قبل از مسیح به وجود آمد، نشانگر نخستین موج سکونت انسانی در قاره آمریکاست. اما جدیداً شواهدی از تمدن‌های «پیشا-کلویسی» هم پیدا شده که در یکی از آن‌ها ابزارهایی متعلق به ۱۵'۵۵۰ سال پیش یافت شده‌است. این محتمل است که این یافته‌ها مربوط به نخستین موج از سه موج بزرگ مهاجرت انسانی به آمریکای شمالی است. با گذر زمان، تمدن‌های بومی آمریکای شمالی رشد پیدا کردند و برخی، مانند تمدن می‌سی‌سی‌پی، در کشاورزی پیشرفت کردند، بناهای بزرگ به جا گذاشتند و برای خود دولت تشکیل دادند.^[۲۶] تمدن می‌سی‌سی‌پی که از مرز مکزیک تا فلوریدا گسترده بود، در سال‌های ۸۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی به اوج خود رسید. دولت-شهر کاهوکیا که در این تمدن واقع بود، مهم‌ترین سایت باستان‌شناسی پیشاکلمبی در مرزهای امروز ایالات متحده است. در منطقه چهار گوشه، تمدن پوئبلو قرار داشت که در نتیجه قرن‌ها آزمایش در کشاورزی به وجود آمده بود.

۳ مورد از میراث‌های جهانی یونسکو در ایالات متحده متعلق به تمدن پوئبلو است: پارک ملی میزا ورده، پارک ملی تاریخی فرهنگ چاکو و تائوس پوئبلو. همچنین کنده‌کاری‌های زمینی متعلق به بومیان آمریکا در پوتری پوینت هم توسط یونسکو به عنوان میراث جهانی به رسمیت شناخته شده‌است. در منطقه دریاچه‌های بزرگ، اتحادیه ایروکوا وجود داشت که مابین قرون دوازدهم تا پانزدهم میلادی به وجود آمده بود. قبایل الگونیکیان که به شکار، تله‌گذاری و تا حدی زراعت می‌پرداختند هم مهم‌ترین قبایل سواحل اقیانوس اطلس بودند.

تأثیر بر بومیان



یک رفاص آلتیق آلاسکایی در لباس محلی

با پیشروی استعمارگران اروپایی در قلمروی امروز ایالات متحده، زمین‌های بومیان معمولاً فتح می‌شد یا آنان از سرزمین‌هایشان رانده می‌شدند. جمعیت سرخ‌پوستان پس از ورود اروپایی‌ها به قاره آمریکا به شدت کاهش پیدا کرد که دلایل مختلفی داشت؛ از جمله آن شایع شدن بیماری‌هایی چون آبله و سرخک در میانشان بود. برآورد جمعیت بومیان آمریکای شمالی در زمان ورود اروپاییان دشوار است. داگلاس اچ. اوبلیکر از مؤسسه اسمیتسونین معتقد است که ۹۲'۹۱۶ نفر در ایالت‌های جنوبی مجاور اقیانوس اطلس زندگی می‌کردند و ۴۷۳'۶۱۶ نفر در ایالات‌های خلیجی،^[۳۹] اما بیشتر محققان دانشگاهی این تخمین را خیلی کم می‌دانند. هنری اف. دوبینز، انسان‌شناس، معتقد است که جمعیت سرخ‌پوستان بسیار بیشتر بوده است؛ او می‌گوید در سواحل خلیج مکزیک ۱'۱۰۰'۰۰۰ نفر زندگی می‌کردند، ۲'۲۱۱'۰۰۰ نفر بین فلوریدا و ماساچوست، ۵'۲۵۰'۰۰۰ نفر در دره می‌سی‌سی‌پی و ۶۹۷'۰۰۰ نفر در شبه‌جزیره فلوریدا.

در نخستین روزهای استعمار، بسیاری از اروپاییان با کمبود غذا، بیماری و حملات سرخ‌پوستان روبرو شدند. همچنین سرخ‌پوستان معمولاً با دیگر قبایل بومی در جنگ بودند و با اروپایی‌ها در جنگ‌های استعماریشان متحد می‌شدند. در بسیاری از موارد، مهاجران و بومیان به یکدیگر نیاز داشتند. اروپایی‌ها غذا و پوست حیوان خریداری می‌کردند و سرخ‌پوستان اسلحه، مهمات و دیگر محصولات اروپایی را.^[۴۱] بومیان به بسیاری از مهاجران یاد دادند که ذرت، لوبیا و کدو را پرورش دهند و میسیونرهای اروپایی «متمدن» کردن سرخ‌پوست‌ها را مهم می‌دانستند و سبک زندگی و شیوه‌های کشاورزی اروپایی را در میانشان تبلیغ می‌کردند.

مهاجرت اروپایی‌ها

اطلاعات بیشتر: تاریخ مستعمراتی ایالات متحده، استعمار اروپا در آمریکا، و مستعمرات سیزده‌گانه

اولین گروهی که به صورت پیوسته به ایالات متحده امروزی رسیدند، کنکيستادورهای اسپانیایی مانند خوان پونسه د لئون که در ۱۵۱۳ از فلوریدا بازدید کرد، بودند. پیش از او، کریستف کلمب به سفری در سال ۱۴۹۳ در پورتوریکو پیاده شده بود. اسپانیایی‌ها نخستین سکونت‌گاه‌ها را در فلوریدا و نیومکزیکو در مناطقی چون سنت آگوستین و سانتافه به پا کردند. فرانسوی‌ها در کرانه رود می‌سی‌سی‌پی ساکن شدند. حضور انگلیسی‌ها در آمریکای شمالی با سکونت در ویرجینا در ساحل شرقی ایالات متحده در جیمزتاون در ۱۶۰۷ و حضور زائران در پلیموت در ۱۶۲۰ آغاز شد. بسیاری از مهاجران مسیحی‌هایی بودند که به برای فرار از آزارهای مذهبی به دنیای جدید مهاجرت کرده بودند. نخستین مجمع منتخب قانون‌گذار قاره آمریکا، مجلس بورگس‌ها بود که در ۱۶۱۹ تأسیس شد. زائران پیش از پیاده شدن پیمان می‌فلور را امضا کردند و دستورهای بنیادین کنیتیکت برقرار گردید که به الگویی برای خودمختاری و حاکمیت قانون در سراسر مستعمرات آمریکایی تبدیل شد.

بیشتر کسانی که در همه مستعمرات ساکن شدند، کشاورزان خرده زمین‌دار بودند، هرچند برخی صنایع نیز در آنجا شکل گرفتند. کشاورزی نقدی شامل تنباکو، برنج و گندم می‌شد و صنایعی چون ماهی‌گیری، خز و الوار رشد کردند. تولیدکنندگان به ساخت نیشکر و کشتی هم پرداختند و تا اواخر دوران استعماری، آمریکایی‌ها یک هفتم صادرات آهن دنیا را در دست داشتند. شهرها در کنار سواحل ساخته شدند تا اقتصادهای محلی را حمایت کنند و نقش مرکز تجارت را داشته باشند. مدتی بعد مهاجران اسکاتلندی-ایرلندی و دیگران هم به مهاجران انگلیسی پیوستند و چون زمین‌های کنار ساحل گران شد، آنانی که از بیگاری آزاد شده بودند، زمین‌های مناطق غربی‌تر را تصاحب کردند. موج بزرگی از خرید برده توسط تجار خصوصی انگلیسی آغاز شد. از آنجا که بیماری‌های کمتری بود و غذا و رفتار صاحبان هم بهتر بود، امید به زندگی بردگان در آمریکای شمالی بسیار بالاتر از مناطق جنوبی‌تر بود که منجر به افزایش شدید شمار بردگان شد.^{[۵۰][۵۱]} دیدگاه جامعه مستعمراتی در ربط با پیامدهای دینی و اخلاقی برده‌داری متفاوت بود و مستعمرات قوانینی له یا علیه این عمل صادر کردند. اما در آغاز قرن ۱۸، استفاده از برده‌های آفریقایی جایگزین بیگاری شده بود، به خصوص در جنوب. با ایجاد استان جرجیا در ۱۷۳۲، مستعمرات سیزده‌گانه که در آینده به ایالات متحده آمریکا تبدیل شدند، کامل شده و توسط بریتانیا به عنوان متعلقات فرادریایی اداره می‌شدند.^[۵۵] همه مستعمرات دولت‌های محلی خودشان را داشتند، با انتخاباتی که بیشتر مردان آزاد می‌توانستند در آن شرکت کنند.^[۵۶] با نرخ باروری شدیداً بالا، نرخ مرگ پایین و مهاجرت گسترده، جمعیت مستعمرات به شدت افزایش پیدا می‌کرد و سرخ‌پوستان تقریباً کم جمعیت در اقلیت قرار گرفتند.^[۵۷] جنبشی برای احیای ارزش‌های مسیحی موسوم به بیداری بزرگ در دهه‌های ۱۷۳۰ و ۱۷۴۰ به راه افتاد که علاقه به دین و البته آزادی دینی را افزایش داد.

در جریان جنگ هفت‌ساله (معروف به جنگ فرانسویان و سرخپوستان در ایالات متحده) بریتانیا موفق شد کانادا را از فرانسه فتح کند اما جمعیت فرانسوی زبان آن به لحاظ سیاسی نسبت به مستعمرات جنوبی‌تر در انزوا باقی ماندند. در ۱۷۷۰، مستعمرات سیزده‌گانه ۲/۱ میلیون جمعیت داشتند (صرف نظر از سرخ‌پوستان) که حدود یک سوم جمعیت بریتانیا بود. با وجود اینکه مهاجرت ادامه‌دار بود، اما در دهه

۱۷۷۰ تنها بخش اندکی از آمریکایی‌ها خارج از خود آمریکا متولد شده بودند.^[۵۹] فاصله زیاد میان مستعمرات و بریتانیا منجر به خودمختاری آنان شد اما به دلیل موفقیت‌های زیادشان، پادشاهان بریتانیا به دفعات تلاش کردند قدرت خود را در آنجا برقرار سازند. در ۱۷۷۴، یک کشتی نیروی دریایی اسپانیا به نام سانتیاگو تحت هدایت خوان پرز در یکی از ورودی‌های ونکوور لنگر گرفت. با وجود اینکه اسپانیایی‌ها از کشتی خود پیاده نشدند، سرخ‌پوستان در ازای آبالون کالیفرنایی، به تجارت خز با آنان پرداختند.^[۶۱] در آن زمان، اسپانیا انحصار تجارت آمریکای شمالی و آسیا را در دست داشت و امتیازات محدودی به پرتغال می‌داد. زمانی که روسیه تلاش کرد در آلاسکا تجارت خز راه اندازد، اسپانیایی‌ها آن‌ها را به چالش کشیدند و سفر پرز از سفرهای پرشمار آنان به مناطق شمال غربی اقیانوس آرام بود.^[۶۲]

کاپیتان جیمز کوک در سومین و آخرین سفر خود، به نخستین اروپایی که با هاوایی ارتباط برقرار کرد، تبدیل شد.^[۶۳] سفر آخر کاپیتان کوک همچنین شامل سفر در کرانه‌های آمریکای شمالی و آلاسکا در پی یافتن گذرگاهی در شمال غربی هم بود که حدود ۹ ماه به طول انجامید.^[۶۴]

استقلال و گسترش ارضی

اطلاعات بیشتر: جنگ انقلاب آمریکا، اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا، انقلاب آمریکا، و تکامل قلمروانه ایالات متحده آمریکا، **جنگ انقلاب آمریکا نخستین جنگی استعماری بود** که به صورت موفقیت‌آمیز منجر به استقلال یک مستعمره از یک قدرت اروپایی شد. جمهوری‌خواهی در میان آمریکایی‌ها رشد پیدا کرده بود و بر آن بودند که دولت باید بر پایه خواسته مردم که از طریق مراجع قانون‌گذار محلی بیان می‌شد، برپا شود. آن‌ها «حقوق مردان انگلیسی» را می‌خواستند و شعار «بدون نمایندگی، مالیاتی در کار نیست» سر می‌دادند. اما بریتانیایی‌ها اصرار داشتند که امپراتوری را از طریق پارلمان اداره کنند و مناقشه در نهایت منجر به جنگ شد.^[۶۵]



نگاره‌ای از جرج واشینگتن در مبارزه با بریتانیا، هنگام عبور از رود دلاویر

اعلامیه استقلال آمریکا که فحوای آن «عدم محافظت از حقوق اساسی آمریکایی‌ها توسط بریتانیای کبیر» بود توسط دومین کنگره قاره‌ای به اتفاق آرا تصویب شد. از آن زمان تاکنون، چهارم ژوئیه به‌صورت سالانه به عنوان روز استقلال ایالات متحده جشن گرفته می‌شود. در ۱۷۷۷، دولتی غیرمتمرکز بر پایه اصول کنفدراسیون تشکیل شد که تا ۱۷۸۹ بر سر کار بود. پس از پیروزی قطعی آمریکایی-فرانسوی در نبرد یورکتاون در ۱۷۸۱،^[۶۷] بریتانیا پیمان صلح ۱۷۸۳ را اعلام کرد؛ استقلال آمریکا توسط جامعه

بین‌الملل به رسمیت شناخته شد و تمام سرزمین‌های شرق رود می‌سی‌سی‌پی به این کشور واگذار شد. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷ تدوین شد و تا ۱۷۸۸ توسط ایالات‌ها مورد پذیرش قرار گرفت. دولت فدرال به سال ۱۷۸۹ در ۳ شاخه مجزا به وجود آمد تا از طریق چک و بالانس، از تمرکز قدرت جلوگیری شود. جرج واشینگتن که ارتش قاره‌ای را در جنگ‌های استقلال رهبری کرده بود، تحت قانون اساسی جدید به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شد. حقوق طبیعی و قانونی که مانع از محدودیت‌های شخصی توسط دولت فدرال می‌شد و برخی محافظت‌های قانونی را ضمانت می‌کرد، در ۱۷۹۱ به جریان افتاد.

با وجود اینکه تجارت جهانی برده از ۱۸۰۸ توسط دولت فدرال ممنوع اعلام شده بود، زراعت پرسود پنبه در جنوب عمیق پس از ۱۸۲۰ رشد شدیدی داشت و در پی آن جمعیت بردگان هم افزایش پیدا کرد.^{[۶۹][۷۰][۷۱]} در جریان بیداری بزرگ دوم طی سال‌های ۱۸۰۰-۱۸۴۰، میلیون‌ها نفر در آمریکا به مسیحیت پروتستان انجیلی درآمدند. در شمال، این موضوع منجر به جنبش‌های اصلاحات اجتماعی شامل لغو برده‌داری شد. در جنوب، متدیست‌ها و بابتیست‌ها میان برده‌ها به تبلیغ مسیحیت پرداختند. تمایل ایالات متحده برای فتح مناطق غربی قاره منجر به شروع جنگ‌هایی طولانی به نام جنگ‌های سرخ‌پوستان شد. خرید لوئیزیانا از فرانسه در ۱۸۰۳ مساحت کشور را تقریباً دو برابر کرد. جنگ ۱۸۱۲ که در پی برخی مسائل روی داد و با پیروزی هیچ‌کدام از طرفین به پایان نرسید، باعث تقویت ملی‌گرایی آمریکایی شد. برخی برخوردهای نظامی در ۱۸۱۹ اسپانیا را مجبور به امضای پیمان فلوریدا کرد که این منطقه و سایر قلمروهای خلیجی خود را به ایالات متحده ضمیمه کرد.^[۷۲] نیروی بخار نیز به گسترش قلمروی ایالات متحده یاری رساند، زمانی که کشتی‌های بخاری شروع به کشتیرانی در راه‌های آبی بزرگ آمریکا کردند. مدتی بعد راه‌های ریلی در سراسر کشور ایجاد شد. در میان سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۰، اصلاحاتی موسوم به دموکراسی جکسونی انجام پذیرفت که باعث شد تا حق رای به بیشتر مردان سفیدپوست بالای ۲۱ سال داده شود؛ این موضوع باعث به وجود آمدن «نظام حزب دوم» شد که در طی آن دموکرات‌ها و ویگ‌ها میان سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۸۵۴ احزاب حاکم بر سیاست این کشور شوند. «گذر اشک‌ها» در دهه ۱۸۳۰ نمونه‌ای از پیامدهای قانون جابه‌جایی سرخ‌پوستان و جابه‌جایی اجباری سرخ‌پوستان و اسکان داده شدن آن‌ها در منطقه اختصاصی سرخپوستی بود. ایالات متحده در ۱۸۴۵ جمهوری تگزاس را ضمیمه کرد؛ این اتفاق در دوره گسترش‌طلبی تحت تأثیر عقیده «مانیفست سرنوشت» روی داد. پیمان ارژون با بریتانیا در ۱۸۴۶ باعث شد که ایالات متحده سرزمین‌های شمال غربی کنونی‌اش را تحت کنترل گیرد.^[۸۰] پیروزی در جنگ آمریکا و مکزیک منجر شد که مکزیک مجبور شود کالیفرنیا و ایالت‌های کنونی جنوب غربی آمریکا را به این کشور واگذار کند. تب طلا در کالیفرنیا در ۱۸۴۸-۴۹ منجر به موجی از مهاجرت‌ها به سواحل اقیانوس آرام شد که نتیجه آن نسل‌کشی سرخ‌پوستان در کالیفرنیا و ایجاد ایالات‌های غربی بود.^[۸۶] پس از جنگ داخلی، راه‌های ریلی سراسر قاره‌ای نقل‌مکان را برای مهاجران ساده‌تر کرد، تجارت داخلی را رونق بخشید و درگیری با سرخ‌پوست‌ها را افزایش داد.^[۸۷] در ۱۸۶۹، «سیاست صلح» به سرخ‌پوست‌ها وعده داد که به آزار آن‌ها پایان داده شود، از جنگ جدید اجتناب، و به

آن‌ها شهروندی ایالات متحده داده شود. با این حال درگیری‌های گسترده با سرخ‌پوست‌ها تا آغاز قرن بیستم در غرب این کشور ادامه داشت.

جنگ داخلی و دوره بازسازی



رئیس‌جمهور آبراهام لینکلن در گتیزبرگ، پنسیلوانیا، ۱۹ نوامبر ۱۸۶۳

اختلافات حل نشدنی بر سر برده‌داری سرانجام منجر به جنگی داخلی آمریکا شد.^[۸۸] در ابتدا، ایالات‌ها به دو گروه ایالات برده‌دار و ایالات آزاد تقسیم می‌شدند و هر دو گروه در سنا قدرت متوازی داشتند اما به دلیل جمعیت بیشترشان، ایالات آزاد در کنگره از نمایندگان بیشتری برخوردار بودند. اما با اضافه شدن قلمروهای جدیدی در غرب که ایالات آزاد بیشتری را به این کشور اضافه کرد، تنش میان ایالات برده‌دار و ایالات آزاد بر سر فدرالیسم و مواردی مانند گسترش دادن یا محدود کردن برده‌داری بالا گرفت.

با انتخابات ۱۸۶۰ ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و انتخاب شدن نامزد جمهوری‌خواه، آبراهام لینکلن، ایالات برده‌داری بالاخره اعلام جدایی کردند و ایالات مؤتلفه آمریکا («جنوب») را تشکیل دادند، درحالی که دولت فدرال این جدایی را غیرقانونی می‌دانست.^[۸۹] برای به انجام رساندن جدایی، ایالات جدا شده دست به اقدام نظامی زدند و پاسخ مشابهی از سوی دولت فدرال روبرو گردیدند. جنگی درگرفت که نتیجه آن خونین‌ترین درگیری تاریخ ایالات متحده آمریکا بود؛ با ۶۱۸'۰۰۰ سرباز کشته شده و تعداد زیادی قربانی غیرنظامی.^[۹۰] هدف اولیه دولت فدرال تنها این بود که ایالات متحده را یکپارچه نگه دارد. اما پس از اینکه تلفات پس از ۱۸۶۳ بالا گرفت، اعلامیه آزادی بردگان توسط آبراهام لینکلن صادر شد و از آن پس، الغای برده‌داری به هدف دولت از این جنگ تبدیل گردید. این جنگ با پیروزی دولت فدرال در آوریل ۱۸۶۳ به پایان رسید و تکتک ایالات شکست خورده جنوب مجبور شدند متمم سیزدهم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا را بپذیرند.

۳ متمم دیگر به قانون اساسی ایالات متحده پس از جنگ اضافه شد: متمم سیزدهم که در بالا ذکر شده، متمم چهاردهم که به حدود ۴ میلیون آمریکایی آفریقایی حق شهروندی ایالات متحده اعطا کرد^[۹۱] و متمم پانزدهم که بر روی کاغذ به آن‌ها حق رای داد. جنگ داخلی و قوانین وضع شده پس از آن باعث افزایش قدرت دولت فدرال گردید؛ زیرا نیاز بود که برای بازسازی جنوب اعطای حقوق به سیاهپوستان در جنوب

دخالت کند. دوره بازسازی پس از جنگ آغاز شد. رئیس‌جمهور لینکلن که در پی ایجاد آشتی میان دولت فدرال و بازماندگان دولت متلفه بود، در ۱۴ آوریل ۱۸۶۵ ترور شد که مجدداً سبب ایجاد فاصله میان شمال و جنوب گردید. جمهوری خواهان دولت فدرال بازسازی جنوب و تضمین حقوق آمریکایی‌های آفریقایی با را به هدف خود تبدیل کردند؛ تا اینکه مطابق مصالحه ۱۸۷۷ پذیرفتند که در ازای پذیرفته شدن انتخابات ۱۸۷۶ از سوی دموکرات‌ها، از این موضوع دست بردارند. برخی از دموکرات‌های سفیدپوست که خودشان را «نجات‌دهندگان» می‌نامیدند، پس از پایان دوره بازسازی کنترل ایالات جنوبی را به دست گرفتند. از ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۰، قوانین موسوم به جیم کرو بیشتر سیاه‌پوستان و گروهی از سفیدپوستان فقیر را از حقوق خودشان محروم کردند. سیاه‌پوستان با جدایی نژادی روبرو شدند، به خصوص در جنوب.^[۹۳] آن‌ها به دفعات با خشونت‌های پارتیزانی نظیر لینیچ‌کردن روبرو شدند.

مهاجرت‌های بیشتر، گسترش ارضی و صنعتی‌سازی

در شمال، شهرنشینی و ورود بی‌سابقه مهاجران از جنوب و شرق اروپا نیروی کار بسیار زیادی برای صنعت این کشور فراهم کرد و باعث تغییر در فرهنگ آن شد.^[۹۵] زیرساخت‌های ملی مانند تلگراف و راه‌های ریلی سراسری باعث رشد اقتصادی و افزایش مهاجرت به «غرب وحشی» وحشی شد. بعدها اختراع لامپ رشته‌ای و تلفن بر ارتباطات و زندگی شهری تأثیر گذاشت. ایالات متحده از ۱۸۱۰ تا ۱۸۹۰ در جنگ‌های سرخ‌پوستان در غرب می‌سی‌سی‌پی جنگید.^[۹۷] نتیجه بیشتر این درگیری‌ها، این بود که بومی‌ها قلمروهای خود را از دست دادند و به منطقه اختصاصی سرخپوستی محدود شدند. مناطق تازه فتح شده به صورت ماشینی تحت کشت قرار گرفتند و باعث شد تا صادرات محصول کشاورزی به بازارهای جهانی گسترش پیدا کند. گسترش سرزمین اصلی ایالات متحده همچنین شامل خرید آلاسکا از روسیه در ۱۸۶۷ هم می‌شد. در ۱۸۹۳، نیروهای طرفدار آمریکا در هاوایی پادشاهی آن کشور را سرنگون کردند و جمهوری هاوایی را تأسیس کردند؛ ایالات متحده این قلمرو را در ۱۸۹۸ ضمیمه کرد. پورتوریکو، گوآم و فیلیپین هم در همان سال از اسپانیایی‌ها، پس از جنگ آمریکا و اسپانیا، گرفته شد.^[۱۰۰] پس از پایان دومین جنگ داخلی ساموآ در ۱۹۰۰، ایالات متحده ساموآی آمریکا را نیز به دست آورد.^[۱۰۱] جزایر ویرجین ایالات متحده آمریکا هم در ۱۹۱۷ از دانمارک خریداری شدند.

توسعه اقتصادی سریع در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ باعث ظهور تعداد زیادی از صنعت‌گران برجسته شد. افرادی نظیر کرنلیوس وندربیلت، جان دیویس راکفلر و اندرو کارنگی صنایع ریلی، نفت و فلز کشور را رهبری کردند. بانکداری به یکی از بخش‌های مهم اقتصاد تبدیل شد که جی‌پی مورگان در آن نقش بزرگی بازی کرد. اقتصاد آمریکا شکوفا شد، به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شد و ایالات متحده در نتیجه آن به یک قدرت بزرگ مبدل شد.^[۱۰۳] این تغییرات دراماتیک با ظهور جنبش‌های پوپولیستی، سوسیالیستی و آنارشستی همراه بود. این دوره در نهایت با آغاز عصر ترقی‌خواهی در آمریکا به پایان رسید؛ این دوره شاهد اصلاحات مهمی مانند اعطای حق رای به زنان، ممنوعیت الکل، نظارت بر کالاهای مصرفی، تصویب قانون رقابت و توجه به وضعیت نیروی کار بود.^{[۱۰۴][۱۰۵][۱۰۶]}

مقایسه امریکا منفور شده با ایران باستانی و تمدن ساز در جهان

این مولف با دوترابایت مطالعه در چارچوب موضوع ویا ثلاثی " حکمرانی ، رهبری، مدیریت " که بزرگترین و مهم ترین واولترین قضایای مهم و اساسی جهان است در تعالیم 114 گانه خود ، بخش های مفصلی را به شیطان بزرگ ، صهبونیسیم ، کشورهای متخاصم نظیر اسرائیل (اشغالگر) ، انگلستان ، سعودی ، فرانسه ، کانادا ، و... در مصاف با ایران با شکوه قراردادده است ، جای جای این تعالیم در مباحث مختلف سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ، صنعتی و غیره ، در صف آرانی این دو قدرت جهانی ، یعنی ایران جهانی(ترمی از این مولف) با شیطان بزرگ (ترمی از امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران) استدلال نموده است ، جهان امروز یک میدان جنگ ویک رزمگاه بزرگ در نبرد حق و باطل بین ایران و امریکا ، به عنوان نماد اراده جهانی ، یعنی دفاع از کلیه جبهه های حق ، حق باختگان ، فقرا، مستضعفین و... در میداین نبرد با نماد شیطانی ظلم و ستیز با صاحبان حق و دفاع از باطل و معمار سیستم هاس تحریم و کشتار جمعی و... به تصاحب عرصه های نفوذ پرداخته اند و هر جا که ایران از طریق سازمان ها و نهاد های غربی خود ، مشی شیطان بزرگ را در آموزش ها ، فرهنگ ، سیاست داخلی و خارجی ، اقتصاد و مدیریت و غیره بکار برده است ، ضربه های مهلکی را بر جسم و جان خود دیده و آنچه امروز شاهد آن هستیم یک اوضاع متناقض و پیرادوکسیکال ، ازخیر و شر و آمیخته ها و ترکیب هائی است که حل آنها دشوار ، گاهی ناشدنی ، با رفتاری ناشیانه ، مماشات ، همکاری با جناح ها و شبکه ها ی متخاصم و آنچه که 7 شمشیر به کمر بسته با تمام شفافیت و بدون تعارف در صحنه جهانی بیان کرده و منتشر نموده و مثلاً از مردم دفاع کرده ولی در بسیاری از این بیانیه نامه ها و انشاء ها به آبرو بردن ایران جهانی پرداخته و کشور ضعیفی و ناتوانی را نمایش داده اند که باید سره از ناسره جدا شده و عیار و مناظ فنی این بیانیه های روشن شده و آنجا باید دفاع شود ، دفاع شود و آنجا که حرف حق گفته میشود ولی مراد باطل در نیات و مقاصد کاندیدا است باید زروسیم قلب شده و ناسره را پاک کرد

موضوع سخن مولف ، مصاف دو قدرت است و ایران هراسی در مقابل لرزیدن شیطان و ایران مدافع مظلومین جهان یرحسب اقبال عمومی در جهان مستضعفان ، که این وجه غالب به عنوان دوجریان پیش ران نه فقط در سطح ملی ، یا منطقه ویا رتبه بندی های بین المللی ، بلکه در فضای جهانی به معنی تام و اعم آن وجود دارد و همه کفر با صف آرانی با همه اسلام ناب محمدی (ص) در میدان بزرگی به اندازه کره زمین در مصاف هم قرار دارند و باید محققان دنیا ، قادر باشند با تقوا و علم النفس وجود اقیانوسی خود ؛ بتوانند ، از دریچه دیدگان فرشتگان آسمانی و عرصه های عرشی به کره زمین نگاه کنند تا گول افسانه ها و ترفند های اوهام گران و نیرنگ بازان ، و جادو گران این عصر را نخورند، باید بدانیم که موضوع اسلام ناب محمدی(ص) که ترمی از سوی امام خمینی (ره) ابتکار گردید و حقیقت اسلام را معنی دار نمود ، امری است از سوی حکیم و قادر متعال که با فطرت الهی یعنی آیه فطرت(روم: ۳۰) گرایش انسان به دین را امری فطری (ذاتی) دانسته شده و خود وجد و عشق و شوق در انسان بوده و به معرفت عرفی مردم جهان تعلق دارد که ایرانیان از عهد باستان با این دین فطری خو داشته که میفرماید " « فاقم

وجبهک للدين حنيفا فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله" و پشتيبان اين دين قيم همانطور که قرآن ميفرمايد آيه 9 سوره اسراء " نَ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيرًا" يعني " همانا اين قرآن (خلق را) به راست و استوارترين طريقه هدايت ميکند و اهل ايمان را که نيکوکار باشند به اجر و ثواب بزرگ بشارت ميدهد." ملت ها هستند ، نه روسای جمهور کشورها .

بنابراين مشاهده گر عرشی وشاهد عرفی در روی زمین ، جريان های مشاهده ميکند که از ديد کورانی چون کيسنجرها وفکوياماها وجرج فریدمن ها و.... غيب ونهان است ، جهانی که ترکیبی از حق وباطل است ودر نور وظلمت تواماً است ، جريان می بينی که عده ای از نور به سوی ظلمت وعده ای از ظلمت بسوی رهسپار هستند وروسای اين کاروان ها نورانی را مردان وزنان خير اندیش کاروان سالاری ميکنند وسارباتان کاروان های سیه بخت را بسوی ظلمت را شيطان صفتان ميرانند ، دوفطرت وهواپرستی که بر ضد یکديگرند ، هر دو پيروانی دارند که خداوند در قران کریم تبیین فرموده وميدان های رزم آنان را حق تعالی هدايت ميکند ، بنابراین همین فطرت (کتاب پنجم مواف) وعکس آن جهالت است ، که تعيين کننده ره نگاشت نقشه راه دولت های روی کره زمین است (تعليم شماره یک از اين مولف) ، وایران هراسی ویا اسلامی هراسی ، یک طيف ویا موجی دگرگون کننده است که همین حرکت جوهری بوجود آورده وبه امر حکيم ، پيشران وسرنوشت ساز است ، که آنرا نظمی فطری می نامم ، واز بی نظمی های حاصل از بحران هاوچالش های در هزاره بحران (تعليم 74 اين مولف) است ، که بسیاری از عقول مدعی ، فاقد تشخيص مرکز مصادره وفرستندگان وگيرندگان اين امواج هستند .در هزاره مذکور 70 در چالش ها وبحران ها از ناحیه شيطان بزرگ وهم پيمانان آن در اروپا وبعضی کشور های ديگر هستند ، که خود اين تبادل اطلاعات وجدل ها وآثار تاثير وتاثرات آن ، تعيين کننده مواضع وتصميم گيری ها وفرار وفرود ها است ، دانشمند با فراست اين معرفت شناسی درجهان کم ،ولی در نظم فطری جهان ، از چگالی بالائی برخوردار وموجد گسل های سياسی وتکانه ای شديد سياست های جهانی شده است .

جریان ترور وتروريسم که مثلاً توسط صهيونيسم جهانی وسرکردگی امريکا وبا هزينه رژيم سعودی وجمعاً 8 تریلیون دلار به نام دين موجب ايجاد داعش (ISIS) گرديد ، بعد از شکست مفتضحانه وشرم آور ، اينک به قدرت خصمانه عليه منافع غرب تبديل شده ودر افغانستان ، پاکستان ، اروپا ، امريکا و.... سردرآورده وبا همان آموزش هاس ضدانسانی عليه خود غرب جولان داده وجان ميستاند وميرود که در مقابل تروريسم صهيون ، یک نیروی برتر را در جهان ساری وجاری سازد ، هر جريان خيروشرّ همین قاعده وقانون تکوينی را ايجاد ميکند ، وضع قوانين تکوينی وعلت ومعلولی ، آن وقت فهم ميشود که معلول خودش را آشکار کند ولی برای صاحب خرد خيره ، اين چنين نيست ، در چند سال پيش پيش بينی کردم که سرمايه دار امريکائی ، ديگر امريکا را برای خودش ، کشوری امن تلقی نمی کند وهمراه با افکندن مجسمه های برده کشان تاريخ امريکا وغرب ، اجساد اين سرمايه داران ، بسوی قبرهای نامعلومی خواهد بود واينک چند سالی اين که اين فرار آغاز شده است وآغاز گری های ديگری است که

درصاف انتظار قراردارند ، اشتیاه محاسباتی سران ایران این بود که از غرش طوفان امام خمینی که مهره های کمر شیطان بزرگ را لرزاند ، فکر کرد که گلشنی آغاز شده ودوران سلطه حکومت تمام شده ومردم وطنی خود راه خودرا یافته وبه واین فروغ ، تمام چراغ های تاریک را روشن کرده ومردم از حق وباطل یک دست شده ومیش وگرگ منبعدر سرچشمه های زلال با هم آب گوارا خواهند خورد که بخشی بزرگی از این خوش نمائی فرهنگی از خود شیطان بزرگ در سرزمین ووحی وتمدن باستانی بوده است .

مشکلات امریکا بیش از آنست که بتواند نجات یابد وبا سیاه کاری خود را صاحب سلطه ای نشان میدهد که ما وقت خودرا صرف آن کردیم ،من حدود 50 منظومه حاوی چند مولفه ای وخود حامل محمول های بافاکتور های فروافتادن امریکا است در مقایسه با مشکلات ایران آوردم که خواننده محترم این موارد مطالعه نموده ورتبه بندی کند که کشور پایدار ومادنی کدام است وایران برای نجات خود از چنگال شیطان بزرگ وماموران آن در ایران باید چه تدابیری که عمدتاً درتعالیم آمده است ، بکار بگیرد:

1. 100 مشکل آمریکا که از روی اسناد واعترافات محققان خود امریکا توسط این مولف تنظیم است وکامل در مقاله 100 مشکل آمریکا جداگانه ضمیمه میشود
2. بدهی امریکا در قیاس با ایران بدون بدهی به سایر کشور که شرح آن دراین تعلیم وتعالیم دیگر آمده است
3. سیطره زباندر مقابل سیطره زبان فارسی وعربی در جهان واعترافات موسسات تحقیقاتی جهان
4. مقایسه تاریخی ایران باستان وتمدن ساز با امریکای تازه بدوران رسیده با بربریت مدرن
5. مقایسه ژئوپلیکی ایران وبا ژئوپلیتیک امریکا
6. مقایسه دین وآئین های عدالت خواهی وانسان دوستی تمدن بشر
7. آینده ایران وحکومت واحد جهانی وفروپاشی آمریکا
8. مقایسه برده کشی وبرده فروشی
9. حق خواهی وعدالت پروری در جهان
10. دفاع از مردم فقیر ومظلوم جهان
11. سیطره خیریه ورسیدگی به مظلومان وستم کشیده های جهان
12. جنگ افروزی وکشتار جمعی
13. صنعت هسته ای وبا 7500 بمب هسته ای در امریکا
14. اعتبار وارزش جهانی
15. قانون اساسی وعدالت خواهی
16. قدرت نرم در جهان
17. آب وهوا و اکوسیستم های چهار فصل در سراسر ایران
18. اعتماد اقوام وتاریخ چند هزارساله اقوام ایرانی
19. دفاع اقوام ایرانی از کیان کشور واسلام

20. قدرت تعامل خیر خواهانه با مردم جهان
21. نفوذ ایران در منطقه
22. نفوذ ایران در قاره آسیا
23. نفوذ ایران در کشورهای کامله الودادی
24. پلیس دو کشور
25. پیوند به بیرون
26. ساختار سیاسی
27. فرهنگ دو کشور
28. غوغا سالاری و تبلیغات فساد انگیز
29. شبکه های فساد جهانی
30. تحریم های ظالمانه
31. ثروت های بدست آورده از ملل ضعیف
32. استعمار و استثمار گری
33. هم پیمانی با استعمار گران
34. حمایت از اسرائیل غاصب
35. چپاول سعودی به عنوان گاو شیرده
36. ایجاد بازار قرمز ورقابتی در جهان
37. انحصار طلبی
38. فرار سرمایه داران
39. برده کشی
40. کشورهای در سلطه خود
41. استفاده از تسلیحات بیولوژیک علیه انسان ها
42. جنگ افروزی
43. علوم و فناوری های مضر
44. تراریختگی
45. کارتل های چپاول گر
46. تراست های بزرگ ضد بشری
47. مداخله در سرنوشت کشورها
48. متعرض به حقوق ملل
49. سیطره در سازمان های بین الملل
50. خروخ از پیمان های پاریس و سایر پیمان ها صلح و اصلاحات جهانی

10 questions from Americans about the usefulness science:

1. What is definition of usefulness science in the west?
2. How about the laws and requirements usefulness science in the west?
3. What is the criterion of usefulness in the west?
4. What are the indexes of usefulness science in the west?
5. What are the standards of usefulness science in the west?
6. How much is the influence's coefficient of usefulness science in the west?
7. How does measure do the influence's coefficient of usefulness science in the west?
8. Do you know that revival of confidence to America is related to what factors?
9. Do you know that America has 100 internal problems?
10. Who are worries from the future of America?

What are internal America's problems?

From: Mahmoud Saneipour



Mahmoud saneipour

You get acquainted whit 100 problems of America in this report has carried off in below References (B) , these problems show us that America has gone out from current of spirituality and social usefulness science , and in this present time , it needs to internal and all criterion reforms and these problems will not be dissolved by the way of external policies , therefore , the most of these problems have concluded consequence of internal and social behaviors and also every reflections of external policies it is null and void , perhaps increase of exists problems doubtless, anyway , this report is a speech benevolently from

whom is LongLife Learning (LLL) , interdisciplinary experts and professional in framework of usefulness science .

1. 100 Problems with America:

1. Old- fashioned in education, in ethics, in religion, in social systems ...
2. the most emigrations that caused to decrease spiritual values of activities
3. No Respect for the Rest of the World
4. Collapsing of national resolution by the way of sex fun and fun houses
5. Drugs: Heroin, LSD, Coke, acid, marijuana, guns, bombs, muzzles, etc.
6. Yet 88,000 people die yearly from drinking alcohol
7. 480,000 die yearly smoking cigarettes
8. There are many gaps between riches and poor and it made the vertical society in America
9. There are false data and deficit of information's truth interpreters about these matters
10. Robots were appeased instead of face to face logical negotiations and were neglected the customizations and employerization for well-being relation between works, economy, and producing of wealth.
11. People with no insurance justly
12. The media is a huge problem in this country
13. Woman has no talents or anything notable to be famous for, but she will do ANYTHING for money & fame, then they will publicize her sex life, boob jobs, ass jobs.
14. a lot of gaming – houses that students be detained from truth education.
15. Bullying actions in almost actions instead human-greatness

16. Bullying makes kids skip school, on average over 10 percent of victims have skipped school specifically to avoid being bullied, over 160,000 students per year.

17. I get that terrorism is a HUGE problem; they're just destroying our Earth slowly and slowly. (America must not support of terrorists in the world)

18. No Respect for Those Older Than Us.

19. Corruption: Corruption and a stupid political agenda will be the end of the US.

20. Anti-Patriotism: Patriotism is blind mob mentality ignorance. Why is anti-patriotism a bad thing

21. Rape: They sexually abuse our children

22. Gay Rights: Ten percent of the population is gay; Most of them say that it ruins families. (America should protect their families from sprinkle)

23. This is a "free" country. Unfortunately, not only do they want gay marriage banned, but also immigration, Halloween, etc.

24. Violence; Violence is the reason that people are afraid to walk amongst the streets that they call home.

25. Bad Music: Not knowing us really just protecting ourselves, WE ENTERTAINERS, of course this it's affecting our sales.

26. Obesity- so much fat as illness: Insanity Obesity, food abuse while being inactivity is very critical in American health, Sports are dying off and more people should participate in them.

27. School Bullies: Kids become to terrified to come to school and I think there should be an end put to it People have bullied for years and I say its I hate bullies they just try to tear you down – hope lady on A big problem for the youth of America.

28. Racism: Racism is terrible it hurts us and puts the people in a bad position

29. Destroying the Environment: Cutting down all these trees to build houses and other things is doing nothing but lowering air and oxygen pollution!

30. Murder: More than 30 people are murdered in the U.S. everyday which leads up to thousands each year.

31. Taxes: No more taxes who cares about them

32. Primary heavy industry: dirty, unskilled" labor

33. The several problems of education and training

34. Lack of distributive – justice

35. Interest rate on the U.S. Credit Card

36. Some inequalities existed for positive reasons (property and wealth, for example), but took great care to point out the fair opportunity of all citizens to gain such things, if wanted.

37. Always Upward: Tocqueville found even the poorest citizens actively and ardently engaged in a quest for a better life. And though they may have been removed from the top of the pyramid by several degrees of wealth and power, they didn't seem to consider themselves as made of lesser stuff. In the national mind, there was no such thing as "not rich" without the optimistic caveat of "not rich yet".

38. Making of Real Enmity instead real friendship

39. POLITICAL ENGAGEMENT: The classic problem with democracy is the asymmetry between the privileges afforded and the "infinity of details" that overwhelm the mind of the average citizen. There are simply too many moving parts for us to do them remote justice.

40. Backlashing of social tranquility instead to quiet it

41. CIVIC UNITY: Building on the previous point, Tocqueville noted a certain genius in how Americans went about associating together locally — both in political and social contexts.

42. Being decreased of PERSONAL ETHICS in America
43. Making walls instead friendly relations with other nations
44. The Missing Ingredient and dearth of effective activity
45. The DNA of "Americanism" no other nations
46. Is that possible? America's future hangs on it (in this trend)
47. The biggest problem the US faces right now must be that the US seems to be less and less able to address its problems. Whatever you think the most important problems are, the US government seems to be hamstrung in solving them
48. Obamacare (Patient Protection and Affordable Care Act): along with numerous other reforms, created an individual mandate which requires everyone to get Health Insurance.
49. High unemployment
50. Terrorism in America: Terrorists and criminals will continue to be able to obtain
51. The context of immigration policy not suitable for America
52. A national ID card system would not solve the problem that is inspiring it.
53. An ID card system will lead to a slippery slope of surveillance and monitoring of citizens.
54. High Lavishment in America (from companies' stores to houses stores)
55. Bad Consumerism and harm foods and drinks
56. A national ID card system would require creation of a database of all Americans only
57. ID cards would function as "internal passports" that monitor citizens' movements only

58. ID cards would foster new forms of discrimination and harassment
59. The statistics and data are false: The statistics are as astounding as they are ignored
60. Depending on how you count, gun violence in America kills hundreds or thousands of times more people than extremist attacks on U.S. soil.
61. When you look at polls of the top 10 fears of the American people
62. "Are we focused on the right bad guys?"
63. "Our theory of the case is the bad guys are out there, trying to come here. ... How are we going to deal with that? We're going to find them and fix them, in a military sense, abroad.
64. Oldness of American's law and making of improvement its law necessity
65. Nationality fanatically
66. External indebted nearly 20 trillion USD
67. The fundamental problems are four interconnected issues combining to threaten a breakdown of effective democratic government in the United States
68. The lack of a national identity from bad democracy in America
69. In other areas of American life, remain debated. Explanations offered include the growth of television and then of the Internet, replacing face-to-face communication and the growth of many narrowly partisan TV channels at the expense of a few broad-public channels.
70. There are many reasons hold germs of truth
71. There are increasing restrictions on the right to vote
72. A third contributor to the growing breakdown of democracy is our growing gap between rich and poor. Among our most cherished core values is our belief that the United States is a "land of opportunity" and that we uniquely offer to

our citizens the potential for rising from "rags to riches" provided that citizens have the necessary ability and work hard

73. that is bad for our economy, because it means that we are failing to develop a large fraction of our intellectual capital. It is also bad for our political stability, because poor parents who correctly perceive that their children are not being given the opportunity to succeed may express their resulting frustration in violence.

74. All those facts raise a paradox in America

75. The economic problems that America faces are fairly clear, but all the possible solutions are unpalatable.

76 . America at international confidence edge

77 .The National Debt.

78. Unjustly Taxes.

79.Social Security not enough

80. Pension Funds not enough

81. Medicare not enough

82. War instead Defense.

83. There isn't the same speaking and empathy in America

84. Coming into existence the difference cultures in America and having diversity of opinions parallaxes

85. America as country is in a bad captured in several affairs

86. The tops of American having worries of themselves future

87. The Republican Party and the Democratic Party, each one rival together for itself advantages, not exaltation of America, any discrepancy of parties in any country be altered for selecting of the best objectives even targets, indeed,

verily that blue ocean is settling instead the red (bloody) ocean in global markets, the unity of parties in the country, removing of contrarities and paradoxes.

87. Dissatisfaction whit government

88. Increasing of Poverty and rising of slaves

89. The danger international security from America

90. guns/gun control

91. Increasing of nation's worry in America

92. crime/violence

93. The danger of Dahesh for America

94. And although the same is better than getting worse, it shows Americans aren't expecting many improvements.

95. Increasing of social expenditures, because it getting of quarrel between races in America

96. Neglect of truly living and contenting of crust of life

97. Increasing of flatter- psychology instead win- psychology

98. Being weakened basis and advantages of religion in America

99. Being weakened rules of reciprocal rights in America

100. America is being unable to do, from showing the right way in the world

2. References

Top 10 Problems with America

www.thetoptens.com/problems-with-america/

پیرامون شعاع نفوذ ایران جهانی در جهان در این تعلیم بحث مفصلی شده است و در این رساله ملخصی از آن انتخاب و بمناسبت انتخاب دوره سیزدهم ریاست جمهوری به دوستان ارسال میشود ، آنچه در مناظرات

بین هفت تن نامزد ریاست جمهوری به سمع و نظر میرسد فاقد نکات مهم نظیر آمایش سرزمین ، زیر ساخت های لجستیکی و ضرورت های اساسی ولو کموتیوهای پیشران است ، به معلول پرداخته اند، نه علل ، امریکا و بسیاری که از ماموریت های ینگه دنیا را که پیروان آن در ایران در طرح و نقشه خود داشته و اجراء میکنند را از مناظره حذف کرده اند ، امریکا نابودی ایران را در سر می پروراند ، نه خطری بریای ژئوپلیتیکی ایران دارد ، و نه کاری به خلیج فارس ، او فهمیده است جنگ با ایران ، یعنی باختن ، در 8 سال جنگ با ایران تجربه کرد و با 8 تریلیون دلار و تشکیل لشکر 30 هزار نفری داعش و وارد شدن در عرصه میدان های نبرد ، کاری از پیش نمی برد ، جنگ نرم وی ، در میدان ایران و بین طبقه مرفه دهک دهم و نهم با سایر دهک ها و بخصوص سه دهک فقیر است ، راحل های ساده و وعده های سرخرمن آنان در اکوسیستم های ها و کانون های لابی گری و رانت خواری و سلطه این قدرت عظیم به امر شیطان بزرگ است که شبکه ها داخلی و خارجی فعالی در این مورد دارد و با دولت منفعل و با طرح های معلولیت شناسی این آقایان ، توجیه نمیشود .

در این شرایط چنین نفوذی از سوی چین و یا روسیه و کشورهای دیگر در ایران لانه استیلائی ندارند ، چنانچه سخنگوی وزارت امور خارجه چین ابراز کرد " پکن بدنبال اهداف خودخواهانه و کسب حوزه نفوذ در خاورمیانه نیست " پروژه های چین خیلی مشخص و در تعالیم من تشریح شده اند و بعضاً منافع ایران را تضمین میکند ، در ادبیات قدیم ، شعاع نفوذ بر اساس تصرفات عرصه های تعریف میشد، ایران در شرایط ژئوپلیتیکی و قدرت نظامی ، چنین اجازه ای به نفوذ کشوری در منطقه نمی دهد ، در عوض فرصت های زیادی دارد که راه استفاده از این فرصت ها بوسیله قدرت نفوذ نرم شیطان بزرگ در ایران مسدود یا صعب العلاج است ، چون در دادوستد های عرفی و طبیعی ایران ، خلل های درشت واقع شده و با گسل های دگرگون کننده روبرو است ، طرح هایی که می تواند این خلل را پر کرده و گسل را از غیر فعال کند ، نه در سوالات صدا و سیما آمده و نه از سوی نامزد ها طرح مسئله میشود ، حوزه های نفوذ بجای عرصه در ساختار اعیانی خود را پیدا کردن و اکوسیستم های تعاملی رانت و امضاء های طلائی و صدها مورد دیگر با دولت های سازگار با آنها ، در کاخ ها ، ویلاهای گران قیمت ، گردشگاه های مخفی ، و.....بستر آرامی گرفته است .

نفوذ حوزوی به معنی وسیع آن به شرع زیر :

1. حیطة های نفوذ
2. قلمروهای آموزشی و فرهنگی
3. دین های انحرافی و نحله های فکری متخاصم
4. شبکه های معاند
5. سازمان ها و ادارات
6. مکتب ها و مدارس
7. حوزه ای اقتصادی کشور
8. حوزه های کشاورزی
9. حوزه های صنعتی

جزئیات عوامل نافذ در لیست بالا ، خیلی زیاد و شرح بسطی تفصیلی دارد که در 114 تعلیم مولف آمده است ،

دامنه های نفوذ که در شکل زیر با **رنگ قرمز** مشخص شده است ، خطرناک ترین نفوذ دشمن در خاک وطن است ، مثل موریانه عمل میکند و مثل خوره دین و تقوا را از بین می برد ، دامنه مفهومی در ریاضی ، در سیستم ها ، در کامپیوتر و صدها دامنه دیگر است که به آن دامین (Domain) میگویند ، دامنه یک برند است ، دامنه یم آدرس است ، یک تلفن است و یک شماره خاص همراه اول است که با قیمت گزاف خرید و فروش میشود هر وب سایتی یک دامنه دارد هر شبکه ، هر کاخ ، یک شبکه که شما نمی توانید با URL بمعنی آدرس دهی دورن متنی بدون مضمون ، همین دامنه داران است ولی با مروگر نمی توانید ، وارد این خانه ها شوید یا صاحب خانه را پیدا کنید ، چون این لایه ها و اطلاعات شفاف نیست با رمز و راز های و کدهای خاصی تبادل اطلاعات میشود وقتی با بیرون پیوند دارند ، دیگر محدودیتی ندارند و شیطان بزرگ بجای عرصه در این اعیانی ها تعامل میکند ، کشف و شهود این مخفی گاه ها به کارشناسی های خیره میان رشته ای و تقوای بالا نیاز دارد ، دلارها و یوروها و سایر ارزهای گران ، سکه و و غیره در انبارهای این کاخ پر بوده و یا در حساب های بانک های خارجی سپرده شده است ، ما به زیر ساخت هائی لازم داریم که چون سد سکندر جوی این آب ریز ها و آب خیرهای سیل آسا را در اقتصاد کشور مهار کند ، در مناظرات با این رویکردهای تعامل نشده است ، دامنه های بی شمار و نهان با اکوسیستم های مدرن و هوشمند ، عنان اقتصاد را بدست گرفته است ، با خطری بزرگ روبرو هستیم.



این بحث و سایر شمول دیگر آن در شعاع نفوذ و ساختار حکمرانی و مدیریت آن در تعلیم 22 ادامه دارد

بسمه تعالی

87/11/04

حقیقت همین است که ما دیده ایم

همه سعی کردم، کنم سروری

در این خاک دان، کنم مهتری

ندانستم کین خاک، چون ازدها

بکامش کشد هرکه، کند برتری

نیامد خبرنگ، زین آسمان برین

که عمری به سر آوری سرسری

چه مملوک جای مالک نشستند به قسّر

چه صاحب دری که کوئید هر دری

چه نوکر جای سروران را گرفت

چه آقا که روزها بکرد نوکری

"مزن برس مردمان مشّت زور"

که روزی ز مردم خوری توسری

ای بسا، مال اندوزان روی زمین

نبردند با خود جز کوری ولاغری

چه شاهان فتادند به زیرسم ستور

چه سر کوفته ای، ناگه بشد افسری

بیا از چشم ما کن، نگاهی به دهر

یکی نوازد سّری، یکی میزند برسری

کجا زشت و زیبا ، کان خیال تو است

ممیز بشو، وانگه شناسی تو هر گوهری

مکن سعی ای پسر، تا که گردی امیر

در این گردونه سوختند، هر خشک و تری

حقیقت همین است که ما ، بسی دیده ایم

که هر که ببندد دری، ببندد درش دیگری

پیامی که زحق میرسد ، همین است و بس

همان به ، گشائی، بر مردمان به نیکی دری

محمود ، گر گشایی ز اخلاص در بسته ای

نماند در بسته ای، تو کزان در ، نگذری

آیا میشود در کشوری صدها سلطان نداشت؟!

Can't there be hundreds of monarchs in a country?!

آیا میشود در کشوری صدها سلطان نداشت؟!

تخم نفرت و بهانه جوئی های در دل ها نکاشت ؟

آیا میشود عزت نفس، جای نفس اماره گرفت ؟

تا دست آویز نگردد و نگیرند مردم ، صدها خفت؟

در چنین وضعی ، تکیه بر اعتماد نفس ها میکنند

نی عزت نفس است ، تکیه بر نفس اماره میکنند!

این همه تضعیف ملت ها از سلطان ارز و طلاست

از سوء تدبیر و سلاطین های آزاد و کسب رهاست

چونکه افسار از گردن کلفت و دم داران برداشتی

تخم تورم و نفرت و بد خواهی در جوامع کاشتی
این چنین شد ، صد بهانه دست آویز شیطان بزرگ
او کار خود کرد و بر خود بالید بر این طرح ستزگ
جائی که کرم بیچاره ، سلطان دارد در چارسوق
ماست ها کیسه کرده ، سلطان های ماست فروش
در قدیم تغار ماست میشکست، فقیران بر کاسه لیس
لیک امروز تغار، مارک دار شد و برچسب لوکس
تغار ماست ما ، از دکاکین منصف بود یققران
امروز یک صدا است ، اجناس مردم شد گران
این سخن راست که ارزان میکند ، تولید زیاد
لیک پول تولید رفته در اسراف سلطان ها بیاد
در کاخ سلطان ها و در افسون های غرب پرست
مدت ها فراموش شد ، کوخ ها آنچه مانده بدست
عاقبت این سلاطین گوناگون ؛ با جیب مردمان
بر عرصه ها و بر بستر روده ها برج ها ؛ آی ببین
این همه سلطان در بازار های دنیا بهر چیست؟
کار سلطان زدائی از وطن ، تکلیف کیست؟
چه کسان دنبال سلطان ها زور، گشتند روان
جیب مردمان خالی کردند ، با صد پاچه خوران
سلطان ها در خوشی و مردم از دریغ های ضرور
یک مشت دلال های بی خدا ، میگیرند پول زور
آنان که سلطان سازند ، خود جو سازی کنند

با اسناد و اعتبار مردم ، بورس بازی کنند
گر باشد بازرس و ناظر با ایمان و درست
گر باشد مدیران با تدبیر ، چالاک و چُست
گر باشد توزیع عدالت در پهنه اوطان جهان
گر باشد ، گر باشد، گر باشد ، آنچه ضرور
کی آدم عاقل ، یاوه گوید با اخبار کور
شیطان بزرگ دزدیده و خود اخبارگوشده
این خبائت از شیطنت ها ، دایم روشده
محمود خوب داند ، مشی مغرض و اغراض را
چونکه میدانند ، رسم مامورین دشمن ساز را
امت ممتاز و سرافراز ملت ها در ره آزادی
این ماموران در دریای ملت ها باشند خسی
شعر از محمود صناعی پور در روز 22 بهمن سال 1398